

# ایران

**امیرالمؤمنین(ع):**

سه خصلت موجب دوستی است: خوش خویی، مهربانی و فروتنی.


**سخن‌روز**

غزr الحکم و درر الکلم، حدیث ۴۶۸۴

**نگاره**

**قلب من گواه بر تودارد  
دشوار است  
فراموشی لبخند تو ...**

**احمدرضا احمدی**



**طراح: Awni Eshtaiwe**

## فضای مجازی

### مبادا وطن را به خاطر آرزده حالیمان بفروشیم

علی قمصری آهنگساز و نوازنده تار، ویدیویی در صفحه اینستاگرامش به اشتراک گذاشته که در حال نواختن قطعه معروف «بر کیسویت ای جان / کمترینز شانه» است و در توضیح آن آورده است: «شاید این ملودی در ایران با نام «شانه» شناخته شده» را بتوان نخ تسبیح موسیقایی جهان یا جهانی‌ترین نغمه نامید. جالب است در هر کشور که این ملودی را اجرا کرده‌ام، به زبان خود ترانه‌های با آن خوانده‌اند. شاید بشنوان آن را یادگاری به جا مانده از تمدن کهن دانست که به شکلی رازورانه، مسافر مکان و زمان شده. بعضی می‌گویند اصالت این اثر به بین‌النهرین، آندلس یا حتی سوریه برمی‌گردد.

اما من مطمئنم، هجرت «زریاب» به اندلس می‌تواند دلیل مهمی برای انتقال چنین ترانه‌ای به مکان‌های مختلف بوده باشد.

بهترین و شاخص‌ترین نمونه این اثر را با صدای «فیروز» لبنانی می‌شناسیم. اسطوره‌ای که جهان عرب به آن همیشه می‌بالد.

نمی‌دانم در کوچه‌های زیبای محله «بالت» استانبول، چرا این ملودی را ناخودآگاه ناوختم. من گاهی ناخودآگاه کاری می‌کنم و بعد دلیلیش را می‌فهمم. جهان امروز بیش از هر زمان دیگر به چنین ملودی‌ای نیاز دارد. تا مردم دریابند که ما هم در برابر اشتراکات انسانیمان که این ملودی نمادش است مسغولیم و هم در برابر مراقبت از حریم کشور عزیزمان. مبادا وطن را به خاطر آرزده حالیمان بفروشیم. در حالی که هیچ‌گاه از مرگ نترسیده‌ام (و آرزویم از ته دل این است که اگر کودکی قرار است قربانی جنگ شود، من به جایش بروم) آرزوی صلح برای همه مردم جهان دارم و یا همه مردم دنیا به گواه این ترانه احساس هم‌ریشگی می‌کنم.

### مقاومت زنده است

وحید یامین پور با انتشار متنی در صفحه مجازی‌اش، ۱۷کتبر را گرامی داشته و دراین باره نوشته: «۱۷ اکتبر است. سالگرد طوفان الاقصی. روزی که می‌توان تاریخ مقاومت را به پیش و پس از آن تقسیم کرد. حماس، هنوز با موشک‌هایش سرزمین‌های اشغالی را هدف می‌گیرد. در ساعات گذشته خان یونس، جنوب غزه، مرکز تل‌آویو به لرزه درآمد. همان ساعت حزب‌الله قلب حیفا را به آتش کشید. مقاومت زنده است. زمینه زنده است. نصرالله زنده است. همین جاست... در همین ضاحیه دستور آتش را بر قلب دلیرمردانش الهام می‌کند...»

### ایمان به خدا سلاح این جنگ است

علیرضا زادبر با انتشار تصویری از ولی فقیه در جمعه نصر و درباره وا همه نتانیاهاو نوشته است: در مقر جلسات اضطراری کابینه مقابل دوربین کاغذ در دستش می‌لرزد. آن طرف در هشتاد و پنج سالگی در مقابل چند صد هزار نفر، برای دقایق طولانی خطبه عربی از روی کاغذ می‌خواند بدون لرزش دست! جانباپز هم هست. جنگ افزار و تکنولوژی نتیجه این جنگ را تعیین نمی‌کند، ایمان به خدا سلاح این جنگ است.

### در آنجا شهیدی است که شهیدی آن را حمل می‌کند

مجید آذربی یکی از کاربران فضای مجازی با انتشار شعری از محمود درویش در فضای ایکس خود درباره حمایت از مردم مظلوم غزه نوشت: «اگر از تو درباره غزه پرسیدند... بگو به آنها در آنجا شهیدی است که شهیدی آن را حمل می‌کند و شهیدی از وی عکس می‌گیرد و شهیدی او را بدرقه می‌کند و شهیدی بر روی نماز می‌خواند.»

### همنوازی سفیر زاین در کنسرت لیان

اجرای همراه کنسرت گروه موسیقی «لیان پوشهر» این بار فضای متفاوتی را تجربه کرد و با تازبאת گسترده‌ای در فضای مجازی داشت. در این کنسرت که سرپرستی آن را محسن شریفیان برعهده داشت و شامگاه یکشنبه - ۱۵ مهرماه- طی دو سانس در مرکز همایش‌های برج میلاد تهران برگزارشد، در سانس نخست میزبان تسوکادا تاماکی سفیر زاین در ایران بود و در اتفاقی جالب، سفیر زاین در بخشی از اجرا به دلیل علاقه فراوان به موسیقی پوشهری، قطعه‌ای را با محسن شریفیان همنوازی کرد.

#### • صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

#### • مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:

احسان صالحی

## نقل قول

#### • تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

#### • پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸

#### • صندوق پستی: ۱۵۸۲۵-۵۳۳۸۸ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

#### • چاپ: چاپخانه های همشهری

#### • سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

#### • پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)

#### • انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

## قصه‌های انیمیشن‌های مامضمون جهانی ندارند

درباره مشکلات و سختی‌های ساختن انیمیشن در ایران در حال حاضر دو مشکل اساسی داریم؛ یکی جمع کردن تیم حرفه‌ای سخت است. دیگر اینکه قصه‌هایمان جهانی و بین‌المللی نیست. ما انیمیشنی در ایران نداریم که مثل انیمیشن ۸۰ سال پیش دیزنی بتوان آن را همچنان دید و قصه و شخصیت‌هایش را قبول کرد. مردم دوست دارند انیمیشن‌های ایرانی را ببینند. در داخل بیننده داریم، ولی قصه‌هایمان بین‌المللی نیست. ما با همین تکنیک می‌توانیم قصه‌هایمان را جهانی کنیم به شرطی که مشکلات مان در قصه گفتن را برطرف کنیم.

بخشی از صحبت‌های بهرام عظیمی، کارگردان و انیمشین‌ساز با هنراتلاین

## نُت

### موسیقی تفکرآمیز(۴)

## معجزه تخیل ؛ نه قهقرای توهم

تفکر فن از باطل سوی حق به جزء، اندر بدیدن کل مطلق پس تفکر (با معنایی که از آن شد: تلاش ذهنی برای یافتن راه‌حل)، معجزه زندگی و عمر و حیات انسان است. عقل که منشأ تفکر است، چشمه جاوید و جوشان معجزات است که با مظهر خود، تفکر، در زندگی و حیات و هستی، جاری می‌شود و انسان را به حقیقت وجود و سلوکش، تذکر و سیر می‌دهد.
ز کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر، نمای وطنم اگر موسیقی حاوی و منادی تفکر، گنج و گنجینه معجزات زندگی بشر باشد، خود معجزه نیست؟ و اصلاً چه چیزایی‌تر از معجزه است؟ موسیقی تفکرآمیز، خود گنج حیات متعالی انسان است. چرا؟ چون راز برتری حقیقت خلقت انسان از سایر موجودات را در خود دارد. آن راز چیست؟ اینکه با تفکر، سطح و کیفیت حیات و هستی بشر از سایر موجودات، متفاوت و برتر می‌شود و سیر تکامل، در نحوه حیاتش تحقق می‌یابد. موجودات دیگر، در حیات، تکاملی ندارند. اگرچه آنچه هستند، تکامل در وجودشان است ولی همیشه به یک نوع زندگی می‌کنند و در نوع زندگی و زیست آنها تکاملی نیست و اگر هم استثنااتنا هست، با دخالت انسان و تفکرش (برای آنها) بوده است. پس چه چیز مهم‌تر و متعالی‌تر از اینکه چیزی حاوی تفکر باشد و به آن دعوت کند؟ اصلاً چرا تفکر اینقدر مهم است؟ برای آنکه با آن اختیار آدمی اثبات می‌شود. با آن است که کشف و شهود و نتاج و انتخاب و تصمیم، رخ می‌دهد و همه اینها سیر طولی و تکاملی منجر به اختیار است. انسان، بدون تفکر، در زنجیره نامتناهی جبرهای خود غیر، پوسیده و پرمزده می‌شود. تفکر، چرا معجزه است؟ زیرا با آن از زندان ناگزیروناگزیز جبرهای مهلک و متوالی، می‌توان رهید و رهیدن، آزادی اختیاری است. آنکه با اختیار رخ می‌دهد و با رهایی که موقوف به امداد است، متفاوت است. به جای آنکه بنشینی و منتظر امداد برای رهایی باشی، پیش از آن با تفکری توانی از خطرات و مهالک، برهی و این یعنی اختیار. اوج اثبات اختیار، با تفکر تعیین می‌یابد و تفکر به این نکته، خود گشایش است. معجزه رهیدن و رسیدن، با تفکر و در آن، نزد انسان (بدون انتظار امداد)، هست و ما از آنها بی‌خبریم. کدام‌ها؟ اینکه تفکر، معجزه است و معجزه می‌کند. تا به حال به اینکه معجزه خود دوتااست، تفکر نکرده بودیم.

اینکه معجزه چرا معجزه است؟ زیرا با امورعادی و غیرخود، ماهیبات متفاوت است و اینکه کارکردش هم معجزه است. یعنی با به کار بستنش، معجزه می‌شود. پس هم خودش معجزه است وهم به کار بستنش. همه معجزات چنینند! تفکرهم، همچنین. خودش معجزه است. زیرا مکانیزم گشایش و رهایی، در آن و با آن است و منجر به معجزه می‌شود و مگر رهایی به غیر معجزه است؟ رهایی از زندان‌های سخت و کمرشکن جبرهای بی‌شمارخود و غیر، معجزه نیست؟ و این اعجاز در تفکر و با آن وقوع می‌یابد. اگر چیزی حاصل نوید رهایی و موجب رهیدن و متذکر به اتوانایی انسان و علت تحول و دگرگونی اوضاع او شود، حاوی بی‌نهایت ارزش و بها و

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



**الهی !** همچون بیدی می‌لرزم که مبادا به هیچ نیزم.

**الهی !** به بهشت و جور چه نازم مرا نظری ده

که از هر نظری بهشتی سازم.

**الهی !** به عزت آن نام که تو خوانی و به حرمت آن صفت که تو چنانی درباب مرا که می‌توانی.

*مناجات نامه خواج عبدالله انصاری*

## کارآفرینی

### ایران ما؛ معدن المعادن

به قول دوستی، مملکت ما، معدن معادن است. البته معدانی که یا کشف نشده‌اند، یا آنگونه که می‌باید از کشفیات آن بهره گرفته نمی‌شود. تازه، از بخشی هم که بهره‌برداری می‌شود، استفاده درست صورت نمی‌گیرد و اغلب مواد آن، با نقیصه خام‌فروشی، از کشور بیرون می‌رود. حالا این معدن، از نفت و گازمان گرفته تا مواد زیرزمینی دیگر و حتی منابع انسانی، سرهایی که معدن خلاقیت و اندیشه هستند هم وقتی به وادی بی‌تفاوتی کشیده شوند، نتیجه‌اش آن می‌شود که با وجود توانمندی‌های بسیاری، ما در برخی حوزه‌ها، به شکلی عجیب و غریب، با عدم پیشرفت و گسترش، روبه‌رو هستیم. به همین خاطر است که دیوهای ناترازی، به یکباره از گوشه‌ای سرب‌ر می‌آورد و به جان جامعه می‌افتند.

با مثلاً هرازگاهی می‌بینیم و می‌شنویم و می‌خوانیم که در معدنی در سوئی از این خاک پراز گوهر و گنج، حادثه‌ای ناگوار و جانسوز رخ می‌دهد و زخمی بروج روان ما می‌زند. بعد که ریشه‌های حادثه بررسی می‌شود، به ماجراهایی غم‌انگیزتر می‌رسیم؛ ماجرای حقوق‌های اندک و درآمدهای کم. در حالی که می‌باید حوزه معدن، از پردرآمدترین‌ها باشد و باشندگان در آن، از مرفه‌ترین‌ها. گرچه برخی از معادن توانسته‌اند از درآمدهای خوبی برخوردار باشند اما نفع‌شان به اندازه‌های اسم و رسم و انتظارات نیست.

روح کارآفرینی، گویا هنوزآهنوز، به زیست‌بوم معدن نتوانسته است راه یابد. تعداد استازاتاپ‌های اندک در این حوزه چشمگیر نیستند. دانش‌بنیان‌ها، حرف

زیادی برای گفتن ندارند و چشمه خلاقیت‌ها، در چنین عرصه‌ای، قدرت جوشیدن و بیرون آمدن ندارند.

فارغ التحصیلان رشته‌های مرتبط با معدن، عموماً در شغل‌های غیرمرتبط مشغولند.

در سوئی دیگر، می‌بینیم که سرمایه‌ها و توجه‌ها و نگاه‌ها، به سوی بازارهایی است که بعضاً باعث بحران و ناترازی در اقتصاد می‌شود؛ مثلاً حوزه مسکن با حضور سرمایه‌های بسیار بخش خصوصی و حتی دولتی، در بخش تولید، چشمگیر است اما در بخش تجاری‌سازی، با شکست نسبی مواجه است و شاهد رکودهای بی‌درسی یا بی‌ثباتی‌های آزاردهنده هستیم.

این در حالی است که مسکن، جزو اسوال غیرمقول است و امکان ارزآوری و صادرات و مبادله را برای کشور به همراه ندارد. همین موضوع سبب ایجاد بخشی از ناترازی‌های اقتصادی و بحران‌های مالی می‌شود. حال اگر می‌توانستیم سرمایه‌هایی که در بخش مسکن صرف شده و به نتیجه نرسیده است را در بخش معدن سرازیر کنیم، آنگاه می‌دیدیم که مردم، می‌شدند کمک حال کشور، ارزآوری، رونق می‌گرفت.

از سطح ناترازی‌ها کاسته می‌شد. رونق اقتصادی در بخش تولید ایجاد می‌شد و همچنین بخش مهمی از مواد مصرفی در حوزه مسکن نیز با رقم‌هایی بسیار پایین‌تر، در داخل کشور تأمین می‌شد. همه اینها سراسر سود بود.

در مورد منابع انسانی هم ماجرا همین است. معمولاً از توانایی‌های افراد فقط زمانی استفاده می‌شود که صرفاً ندارند و همسو با خواسته‌های به کارگیرندگان و همراه با سلایق و دیدگاه‌هایشان باشند. در چنین فضایی، بسیاری در توهش‌ای غریبال‌های سلیقه‌ای، گیر می‌کنند و بیرون از دایره کار و سازندگی می‌مانند.

اگر بخواهیم جور دیگری به هنر کارآفرینی نظر بیندازیم باید بگوییم که پای کارآفرینی در حوزه معدن لنگ می‌زند. هنر سلیقه در این حوزه راه ندارد. حوزه‌های مختلف هنری و هنرمندانش، از زیست‌بوم معدن، کاملاً بیرون گذاشته شده‌اند. همین موضوع سبب شده است که معدن، حوزه‌ای بدلق و مبهم و نازیب دیده شود. فواید آن، برای عموم گمنام بماند و صاحبان ایده‌های خلاق، نتوانند گذری به این سسو داشته باشند. بخش معدن می‌تواند جایی باشد برای تلاقی فکرها و سرمایه‌ها و هنرها. در غیر این صورت، ناترازی‌ها همچنان پایدار خواهد ماند. کارآفرینیان باید بجنبند و به میدان بایند.

**سیداصغر نوربخش**

روزنامه‌نگار



روح کارآفرینی،

گویا هنوزآهنوز،

به زیست‌بوم

معدن

نتوانسته است

راه یابد. تعداد

استازاتاپ‌های

اندک در این

حوزه چشمگیر

نیستند.

دانش‌بنیان‌ها،

حرف زیادی

برای گفتن

ندارند و

چشمه

خلاقیت‌ها،

در چنین

عرصه‌ای،

قدرت

جوشیدن و

بیرون آمدن

ندارند

## عکس نوشت



سفر به دنیای محیط‌زیست، موزه ملی

تاریخ طبیعی و ذخایر ژنتیکی سازمان حفاظت محیط‌زیست یکی از بخش‌های جذاب این سازمان است که بیش از ۱۱۳ هزار نمونه گیاهی، جانوری، فسیل، سنگ و کانی، تاکسیدرمی و ژنتیکی در آن نگهداری می‌شوند.

عکس: مجید خانی

ایضا